

تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری*

احمد راشکی**، علیرضا استعلاجی***، محسن رنجبر****

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۳/۴/۱۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۳/۶/۲۹

چکیده

رشد شهرنشینی با تأکید بر رویکرد توسعه شهری نابسامانی‌های متعددی را به همراه آورده که موجب کاهش وضعیت زیست‌پذیری شهروندان در ابعاد محیطی، کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شده است. زیست‌پذیری شهری از مفاهیم و رویکردهای اخیر جهان در چارچوب گفتمان پایداری است که در دهه‌ی اخیر در قلمروی شهری و در مقیاس‌های مختلف، به‌عنوان صفت و وضعیت مطلوب و یا رویکرد و راهکار بهبود شرایط زیست در آن‌ها مورد توجه قرار گرفته است. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون در مطالعات شهری ایران نیز، توجه به مفهوم زیست‌پذیری، اصول، ابعاد و شاخص‌های آن، هرچند به‌صورت محدود، مورد توجه قرار گرفته است. سه محور مورد توجه این پژوهش شناخت وضعیت موجود زیست‌پذیری، ابعاد و معیارهای اثرگذار و به وجود آورنده آن و بررسی پیامدها و نتایج وضعیت کنونی زیست‌پذیری در شهر چابهار است. هدف پژوهش تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با رویکرد توسعه شهری است. پژوهش از نظر هدف کاربردی، از نظر ماهیت تحلیلی و از نظر روش کیفی- کمی است. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است. جامعه‌ی آماری تحقیق را ۸۰ نفر از کارشناسان ذی‌ربط شهر چابهار و اساتید جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری تشکیل می‌دهند و تکنیکی که در این راستا استفاده‌شده تکنیک دلفی است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. ۱ بزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل داده‌ها از مدل تاپسیس استفاده‌شده است. نتایج یافته‌ها نشان می‌دهد که متغیر اقتصادی با ۰/۹۶۷ امتیاز رتبه یک و متغیر کالبدی با امتیاز ۰/۹۱۴ رتبه دوم را به خود اختصاص دادند و متغیرهایی هستند که بیشترین تأثیر را بر سطح زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر توسعه شهری گذاشتند.

واژگان کلیدی

زیست‌پذیری، عوامل پنج‌گانه، شهر چابهار، توسعه شهری.

* این مقاله برگرفته از رساله دکتری نگارنده اول با عنوان «تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار» با تأکید بر رویکرد توسعه شهری به راهنمایی نگارنده دوم و مشاوره نگارنده سوم در دانشگاه آزاد اسلامی است.

ahmad.rashki2017@gmail.com

al_estelaji@yahoo.com

dr.mranjbar@gmail.com

** دانش آموخته دکتری جغرافیا، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

*** گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

**** گروه جغرافیا، دانشکده جغرافیا، واحد یادگار امام، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

مقدمه

افزایش جمعیت شهرنشین با تأکید بر رویکرد توسعه شهری، در زمان کنونی، برای شهرهای زیادی، مشکلات متعددی چون تراکم، آلودگی، تخریب محیط زیست، گسست اجتماعی، بی‌نظمی و ... به وجود آورده است. برای برطرف نمودن چالش‌های مذکور، دیدگاه‌ها و نظریات متنوع و متعددی تدوین شده است که همه این رویکردها به بهبود وضعیت زیست‌پذیری و توسعه پایدار شهر ختم می‌شود. رویکرد زیست‌پذیری شهری یا به عبارتی دیگر «زیست‌پذیر کردن شهرها»، یکی از رویکردهای جدید در حوزه توسعه پایدار برای حل مسائل و معضلات شهری است. شهر زیست‌پذیر دارای شرایط محیطی است که از نظر کالبدی بادوام، از نظر زیست‌محیطی پاک، از نظر اقتصادی پایدار، و از نظر اجتماعی هویت‌پذیر باشد. بنابراین جامعه‌ای می‌تواند پایدار باشد که از نظر ابعاد چهارگانه کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، دارای شرایط مطلوب باشد. زیست‌پذیری شهری به جنبه‌هایی اشاره دارد که در افزایش کیفیت زندگی نقش دارند (موسوی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳). بنابراین شهری می‌تواند دارای شرایط مطلوب زیست‌پذیری و پایدار باشد که از نظر ابعاد چهارگانه کالبدی، زیست‌محیطی، اقتصادی و اجتماعی، دارای شرایط مطلوب باشد. زیست‌پذیری شهری به جنبه‌هایی اشاره دارد که در افزایش کیفیت زندگی نقش دارند (اشنویی نوش‌آبادی، ۱۳۹۹: ۲۸).

عوامل متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، فیزیکی و زیست‌محیطی بر شرایط کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهرها با تأکید بر رویکرد توسعه شهری بسیار اثرگذار هستند به‌طوری‌که با اختلال و ناپایداری در یکی از عوامل، کل مجموعه شهری را با مشکل روبرو کرده و بر سطح زیست‌پذیری اثر منفی می‌گذارد. در حوزه کالبدی، فرم و ساختار فضایی شهر با نحوه توزیع و قرارگیری مکانی عناصر در فضا و ارتباط بین این عناصر با همدیگر بر سطح زیست‌پذیری و کیفیت زندگی اثرگذار می‌باشد. همچنین نوع چیدمان فضایی و فرم‌ها در ساختار فیزیکی شهرها به دلیل توسعه شهری با تأثیرپذیری از شرایط اجتماعی، اقتصادی شهر موجب دوگانگی فضایی در سطح محلات می‌شود و اثرات خود را در شاخص‌های زیست‌پذیری نمایان می‌سازد به‌طوری‌که با کاهش یا افزایش تراکم ساختمانی، محصوریت فضا، شکل و اندازه قطعات سطح زیست‌پذیری نیز تغییر می‌کند.

چابهار مجهزترین و پیشرفته‌ترین بندر اقیانوسی کشور که در جنوب استان سیستان و بلوچستان قرار دارد و مرکز شهرستان چابهار است. این شهر به دو دهستان کمبل سلیمان و وشنام دری تقسیم شده است. بر اساس سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۵ جمعیت این شهر ۱۰۶۷۳۹ نفر جمعیت داشته است. ۲۴۷۳۵ نفر در دهستان کمبل سلیمان و ۱۳۵۲۲ نفر در دهستان وشنام دری ساکن هستند. این شهر بسان بسیاری از کلان‌شهرهای دنیا با مسائل و مشکلات اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی بسیار روبرو است. آنچه در این میان قابل توجه است، ناهمگونی شدید فضایی در وضعیت زیست‌پذیری شهر چابهار است. به‌طوری‌که این ناهمگونی و دوگانگی حتی در سطح دهستان شهری نیز مشهود است. در راستای اهداف پایدارسازی شهرها که ملازم با ارتقاء کیفیت محیط‌زیست و حفظ سلامت و بقا آن، ایجاد توازن و تعادل فضایی و زمانی نیز ضرورت حتمی دارد، بایستی این کاستی‌ها و مسائل که سلامت زندگی در شهر را مورد تهدید قرار داده شناسایی و ارزیابی گردند و سپس با الهام از مدل‌های پیشنهادشده برای شهرهای متناظر، الگوی بهینه ارتقاء زیست‌پذیری برای شهر ارائه گردد. در این ارتباط شهر چابهار با دو دهستان کمبل سلیمان و وشنام دری به‌عنوان محدوده مورد مطالعه، در دهه‌های اخیر با مسائل عدیده عام و منحصر به فردی به لحاظ کیفیت زندگی و زیست‌پذیری مواجه بوده است. مطالعات اسناد و پژوهش‌های مرتبط شهر چابهار گویای وجود آسیب‌های زیرساخت‌های ضعیف، افزایش جمعیت مهاجرنشین در حاشیه شهر و شکل‌گیری سکونتگاه‌های غیر رسمی، کاهش خدمات‌رسانی در محدوده شهر، کمبود خدمات دسترسی ساکنان به مراکز فرهنگی و پارکینگ، اشتغال‌زایی در بخش غیر رسمی (دلالی، دستفروشی و...) است. در این شهر بسان بسیاری دیگر از شهرها، نوعی ناهمگونی فضایی نیز تظاهر دارد که پژوهش به دنبال تحلیل عوامل مؤثر بر زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر توسعه شهری است.

پیشینه و مبانی نظری تحقیق

در ارتباط با مفهوم زیست‌پذیری و توسعه شهری پژوهش‌های متعدد خارجی و داخلی انجام شده است که به بعضی از آن‌ها در جدول شماره ۱ اشاره شده است که با توجه به مطالب آن، می‌توان گفت اکثر پژوهش‌های بررسی شده با تأکید بر رویکرد کالبدی- فضایی به تحلیل وضعیت زیست‌پذیری شهرها پرداخته‌اند. تفاوت پژوهش حاضر با سایر پژوهش‌ها این است که تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری علاوه بر بعد کالبدی، سایر ابعاد دیگر را چون محیطی، اقتصادی، اجتماعی و مدیریتی تحلیل کرده است. همچنین در ارتباط با شهر چابهار هیچ پژوهشی با محتوای تحلیل زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد توسعه شهری انجام نشده است. از این رو تحلیل وضعیت زیست‌پذیری در شهر چابهار مبتنی بر توسعه شهری نوآوری این پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱- پیشینه پژوهش

پژوهشگر	سال	عنوان	نتیجه
تاراج شیخ و همکاران	۲۰۲۲	ارتقای زیست‌پذیری از طریق برنامه‌ریزی شهری: چارچوبی جامع بر اساس «نظریه نیازهای انسانی»	تلاش برای سنجش زیست‌پذیری در ارتباط با برنامه‌ریزی شهری، علی‌رغم تلاش‌های فراوان برای درک و نظریه‌پردازی مفاهیم زیست‌پذیری، کیفیت زندگی و نیازهای انسانی، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. رتبه‌بندی بین‌المللی زیست‌پذیری به‌طور فزاینده‌ای توسط و مدیران شهری برای ارزیابی وضعیت فعلی شهر و مقایسه آن با سایر شهرها مورد استفاده قرار می‌گیرد. در حالی که این رتبه‌بندی‌ها بر ماهیت چندوجهی زیست‌پذیری تأکید می‌کنند و دولت‌های شهر را تشویق می‌کنند تا زیست‌پذیری را ارتقا دهند.
أسامه احمد	۲۰۱۹	بررسی انتقادی از زیست‌پذیری شهری	وی سعی دارد توضیح روشنی از مفهوم زیست‌پذیری ارائه دهد و ابهام و عدم توافق کلی در مورد تعریف زیست‌پذیری را ناشی از دو عامل می‌داند: اول؛ وجود اصطلاحاتی همچون «سرزندگی»، «نشاط» و «حس تعلق» که از مؤلفه‌های کلیدی در کیفیت کلی هر محیط سکونت‌ی هستند ولی با یکدیگر یکسان نیستند. دوم؛ وجود دیدگاه‌های مختلف همچون «پایداری»، «کیفیت زندگی»، «بهریستی» و غیره است که مسئله را پیچیده‌تر می‌کند و زیست‌پذیری نقش واسطه‌ای را در بین این مفاهیم و رویکردها دارد.
زانلا و همکاران	۲۰۱۵	ارزیابی قابلیت زیست‌پذیری شهرها از طریق ادغام رفاه شهروندان و اثرات زیست‌محیطی	ابتدا یک مدل مفهومی برای ارزیابی زیست‌پذیری شهری ارائه داده‌اند. سپس میزان زیست‌پذیر بودن شهرها اندازه‌گیری شده است. به همین منظور، به ایجاد شاخص‌های ترکیبی بر مبنای مدل تحلیل پوششی داده‌ها پرداخته شده است. سپس به‌منظور اندازه‌گیری عملکرد هر شهر در زمینه زیست‌پذیری، با استفاده از شاخص‌های ورودی و خروجی به مقایسه آن‌ها پرداخته شده است. بنابراین با استفاده از مدل ورودی محور و متغیرهای رفاه شهروندان و اثرات زیست‌محیطی به تعیین محدودیت‌ها و اندازه‌گیری کارایی پرداخته شده است.
نوش‌آبادی و همکاران	۱۳۹۹	تعیین پیشران‌های کلیدی مؤثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد آینده‌پژوهی	نتایج تحقیق بیانگر این است که تعداد ۵ سناریو با ساختارهای متباین از سه وضعیت شامل مطلوب، ایستا و بحرانی که احتمال وقوع در زیست‌پذیری شهر کاشان را دارند که با این وجود، اتفاق‌های پیشامدهای منفی بیشتر از پیشامدهای مثبت است. با این وضعیت می‌توان گفت وضعیت‌های مطلوب و ایستا بخش کمتری از صفحه سناریوها را به خود اختصاص داده‌اند و وضعیت بحرانی در نخستین اولویت قرار گرفته است
برزگر و همکاران	۱۳۹۸	تحلیل سکونت‌گاه‌های غیررسمی با رویکرد زیست‌پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان)	آن‌ها به تحلیل سازوکارهای مؤثر بر زیست‌پذیری محلات غیررسمی شهر زنجان پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که از بین ابعاد مختلف زیست‌پذیری، بعد کالبدی با ضریب معنی‌داری ۵۶۱ به میزان بیشتری وضعیت حاکم بر زیست‌پذیری محلات غیررسمی شهر زنجان را رقم می‌زند. همچنین بعد اقتصادی با ضریب تأثیر ۰.۹۴ در رتبه دوم، بعد زیست‌محیطی با ضریب تأثیر ۰.۸۱ و بعد اجتماعی با ضریب تأثیر ۰.۴۱ در مراتب بعدی قرار می‌گیرند.

زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد توسعه شهری

صاحب‌نظران زیست‌پذیری را به‌عنوان یک مفهوم ذهنی درک می‌کنند و این مفهوم را با عبارات مختلفی ازجمله «سرزندگی»، «نشاط» و «احساس تعلق»، مربوط به «تصور و ادراک» ساکنان می‌دانند. اگرچه این عبارات با «زیست‌پذیری» ارتباط نزدیکی دارد، اما این مفاهیم جایگزین آن نیستند. معنای اصلی زیست‌پذیری، شرايطی را در محلات توصیف می‌کند که ساکنان نسبتاً عاری از مزاحمت‌ها هستند (Ahmed, 2019: 166). زیست‌پذیری شامل احیا و برنامه‌ریزی شهر یا مراکز شهری به‌عنوان محلی برای «زندگی، کار و بازی» در محیطی است که با حضور یا پشتیبانی زیرساخت‌های خوب، امکانات و خدمات عمومی، حمل‌ونقل متنوع و در دسترس، مسکن مقرون‌به‌صرفه، تنوع فرصت‌های شغلی و ساختمان‌ها و محیط طبیعی دلپذیر برای تجربه‌ی کیفیت زندگی توسط جوامع محلی یا بازدیدکنندگان به میزان یکسان، مطرح شده است (Wong, 2018: 3). پیتز ایوانز با استفاده از درکی طبقاتی از زیست‌پذیری، کاربرد آن را در کشورهای درحال توسعه در ارتباط با رفع نیازهای ابتدایی و رفاه عمومی دانسته که بسیار متفاوت با آن چیزی است که خواص در کشورهای پیشرفته از آن درک می‌کنند. چراکه

در این کشورها، رفع این نیازها به سادگی از طریق خرج سرمایه شخصی امکان پذیر است. تعریف طبقات محور از زیست پذیری به خوبی نشان می دهد که ایده های مرتبط با این واژه می تواند از طریق طیفی از موفقیت ها درک شود که در یکسوی این طیف نیازهای ابتدایی و مرتبط با حیات و زندگی و در سوی دیگر آن پرداختن به نیازهای لوکس و فرصت های متعدد در رسیدن به زندگی مطلوب قرار گرفته است (Cobb, 2000: 39). برخی از اندیشمندان زیست پذیری شهری را به صورت سازگاری بین فرم و فعالیت معرفی می کنند برخی دیگر خاطرنشان می کنند که زیست پذیری شهرها به این بستگی دارد که هر مکان بستر چه رفتارهای را تأمین می کند و تمایلات مردم نسبت به آن ها چگونه باشد. بنابراین طبق نظر لنگ زیست پذیری به عنوان میزان سازگاری بین محیط و فعالیت های صورت گرفته در آن تعریف شده است (Southworth, 2022: 101). زیست پذیری شامل احیا و برنامه ریزی شهر یا مراکز شهری به عنوان محلی برای «زندگی، کار و بازی» در محیطی است که با حضور یا پشتیبانی زیرساخت های خوب، امکانات و خدمات عمومی، حمل و نقل متنوع و در دسترس، مسکن مقرون به صرفه، تنوع فرصت های شغلی و ساختمان ها و محیط طبیعی دلپذیر برای تجربه ی کیفیت زندگی توسط جوامع محلی یا بازدیدکنندگان به میزان یکسان، مطرح شده است. زیست پذیری به عنوان یک مفهوم می تواند با توجه به بستر و زمینه ای که در آن تعریف می شود، بسیار گسترده و یا محدود باشد. باین وجود، کیفیت زندگی در هر مکان در مرکز توجه این مفهوم قرار داشته و شامل نماگرهای قابل اندازه گیری بسیار متنوعی است که معمولاً تراکم، حمل و نقل، امنیت و پایداری، اجزای ثابت آن را تشکیل می دهد (خراسانی، ۱۳۹۵: ۹).

دیدگاه های متفاوتی در ارتباط با زیست پذیری با تأکید بر توسعه شهری وجود دارد. یکی از این دیدگاه ها رویکرد پوزیتیویستی (تجربی) است. اولین و قدیمی ترین روش، گسترده ترین و در عین حال سخت ترین آن ها است که از آراء نظریه پردازان و محققینی که روش های معمول را برای بیان مفهوم شهر خوب و این که چگونه می توان آن را زیست پذیر کرد تشکیل شده است. آن ها برای رسیدن به تعریف شهر خوب و زیست پذیر از روش های گوناگونی چون بررسی های شخصی، روش های تجربی، مطالعات موردی و آزمون فرض و همچنین از نظرات، تجربیات و دیدگاه های شهری خود استفاده کرده اند. شرح و توصیف شهر خوب از طریق تحقیقات تجربی از اواسط دهه ۱۹۶۰ شروع شد، اما اصطلاح زیست پذیری به ندرت تا اواسط دهه ۱۹۷۰ توسط محققین استفاده می شد. محققانی که روش های معمول و تجربی تحقیق درباره زیست پذیری را برگزیدند، فراوان و شامل معماران، دانشگاهیان و نظریه پردازان شناخته شده ای بودند که بسیاری از آن ها در مدارس برنامه ریزی و معماری تدریس می کردند. این محققین تمایل داشتند بر پایه تجربیات شخصی، مشاهدات، تحقیقات تجربی، نمونه های موردی و دانش روز دنیا، مکان های زیست پذیر را مفهوم سازی کنند. شروع این اقدامات ابتدا در موسسه تکنولوژی ماساچوست و سدس در دانشگاه کالیفرنیا برکلی بود که هر دو، روی جنبه های اجتماعی و فضایی و طراحی شهر به مدت طولانی تحقیق کرده بودند. کوین لینچ در موسسه تکنولوژی ماساچوست ابتدا در عناصر شهر خوب و سدس بر عملکرد جهانی ابعادی که می توانند به عنوان مهم ترین ویژگی های شهر زیست پذیر در نظر گرفته شوند مطالعه کرد. این ابعاد عبارت اند از: سرزندگی (معیشت، ایمنی، هماهنگی بیولوژیک)، حس (هویت مکانی، خوانایی، وضوح)، تناسب (تناسب، حداکثر استفاده، سازگاری)، دسترسی (حمل و نقل و جابجایی)، کنترل، کارایی و عدالت. لینچ در طرح های بعدی خود برای بوستون و سن دیگو نیز از مفهوم زیست پذیری به عنوان یک جنبه مهم از ابعاد انسانی شهرها و حق زیست محیطی آن ها دفاع کرد (خرزاعی نژاد، ۱۳۹۴: ۶۸).

دومین قلمرو مورد مطالعه در تحقیقات زیست پذیری شامل اصول و معیارهای اجتماعی- فرهنگی است که در سراسر قرن بیستم در مورد آن ها مطالعه و پژوهش شده است. این روش ابتدا توسط دانشمندان علوم اجتماعی که به دنبال ایجاد شاخص های اجتماعی برای اندازه گیری و مقایسه کمی مفاهیم مختلف زیست پذیری و کیفیت زندگی بودند استفاده شده است از جمله این شاخص ها می توان به مفهوم کیفیت زندگی اشاره کرد که با سه ویژگی تجربه شخصی (فیلترهای روان شناختی) ارزش های معمول و نقش عوامل زیست محیطی بر ادراک افراد تعریف می شود. بنابراین هم عوامل طبیعی و محیطی و هم عامل انسانی در این مفهوم مؤثر هستند. چنان که امروزه هنوز هم اکثر محققان بر این باورند که مطالعه و اندازه گیری زیست پذیری و کیفیت زندگی نیازمند تحقیق در هر دو گروه عوامل انسانی و محیطی است (جعفری اسدآبادی، ۱۳۹۲: ۸).

رویکرد دیگر، مطالعات مبتنی بر رفاه و درک ساکنان است که به رویکرد درک و رضایت فردی در مطالعات زیست پذیری مشهور است و بر پایه مطالعه اولویت ها، رضایت، رفاه افراد و اندازه گیری میزان مطلوبیت مکان و محیط از دیدگاه آن ها است و در درک زمینه های محلی، مشکلات، خواسته ها و اولویت های مردم ارزشمند و مهم است. درحالی که تعداد کمی مطالعه وجود دارد که مستقیماً درباره زیست پذیری باشد، اما بیشترین آن ها بر پایه برداشت های فردی است. موضوع اصلی در این نوع تحقیقات زیست پذیری، تعیین عوامل اصلی، اعم از فیزیکی و روانی مؤثر در سادی و خشنودی افراد است که عمده تاً از طریق جمع آوری داده از روش های میدانی به دست می آیند (سلیمانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۳۴).

چهارمین آن‌ها، دیدگاه کیفیت زندگی است. محققانی که تمایل به بهبود زیست‌پذیری در مکان دارند، می‌کوشند تا رویکردهای مکان محور را با ارزیابی‌های کیفیت زندگی، تلفیق نمایند. رویکردی که هم از ابعاد ذهنی و هم ابعاد عینی زیست‌پذیری، بهره می‌جوید. منظور از کیفیت زندگی شهری توجه به شاخص‌های اجتماعی، فرهنگی، محیطی، و روانی در دو وجه عینی (کمی) و ذهنی (کیفی) در روند برنامه‌ریزی کیفیت زندگی شهری است (ساسان پور، ۱۳۹۶: ۷۸) بدین معنا که علاوه بر اندازه‌گیری شاخص‌ها به صورت مشخص و عینی می‌باید ذهنیت و نوع نگاه شهروندان به این شاخص‌ها نیز مورد توجه قرار بگیرد. فارغ از برنامه‌ریزی به منظور ارتقاء، کیفیت زندگی شهری در عین اینکه مفهومی چندبعدی و میان‌رشته‌ای است، دارای وجوه ذهنی و عینی به صورت توأمان است. بنابراین صرف برنامه‌ریزی موضوعی یا موضعی بدون توجه به ارزش‌ها؛ آمال؛ نگرش‌ها و آرزوهای مردم و ذهنیت خاص آنان به این مفهوم راهگشا نخواهد بود (گودرزی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۵). در یک جمع‌بندی کلی می‌توان گفت دیدگاه‌های زیست‌پذیری که با تأکید بر توسعه شهری است، در چهار رویکرد تجربی، رویکرد اجتماعی، مطالعات مبتنی بر رفاه و درک ساکنان و دیدگاه کیفیت زندگی بررسی شد. همچنین مسئله «زیست‌پذیری» و هدف از آن در اصل فراهم کردن زمینه زندگی راحت انسان در شهر برای دوره‌های طولانی بوده است. اما آنچه امروزه این مفهوم را در اولویت قرار داده و حساس نموده است؛ شرایط فعلی زمانی و مکانی است که شهر اغلب دچار مشکلات و بحران‌های گوناگون شده و تداوم یافته است. از آنجا که اغلب در تحقیقات انجام‌شده، روی مفاهیم و ابعادی چون؛ ابعاد محیطی، فیزیکی، اجتماعی، اقتصادی، رفتاری، سیاسی و فرهنگی شهر و روابط محیط انسان ساخته و رفتارهای فردی و اجتماعی انسان‌ها تأکید شده است؛ در این پژوهش نیز روی همین ابعاد تمرکز شده و شاخص‌های آن مورد توجه قرار گرفته است و سعی بر آن بوده که تا حد امکان به شاخص‌های بومی و ویژگی‌های جامعه محلی توجه شود. ابعاد و شاخص‌های استخراج‌شده از رویکردهای پژوهش در شکل شماره ۱ شرح داده شده است.



روش تحقیق

این تحقیق به لحاظ ماهیت کاربردی و به لحاظ روش مبتنی بر روشی توصیفی-تحلیلی است. جامعه آماری از ۸۰ نفر از کارشناسان شهرستان، استان، شهر چابهار، اساتید و دانشجویان رشته برنامه‌ریزی شهری تشکیل شده است. روش نمونه‌گیری مورد استفاده در پژوهش حاضر احتمالی و از نوع طبقه‌ای بوده است. به این ترتیب، ۶۵ نفر از جمعیت کارشناسان، به زیر جمعیت‌های واحد تقسیم می‌شود. وقتی که طبقات معلوم شدند، یک نمونه از هر طبقه استخراج می‌شود. به این معنا که در میان سازمان مدیریت شهر چابهار و اساتید به عنوان طبقه اول نمونه‌ها انتخاب شدند. پس از آن از هر طبقه تعدادی از کارشناسان و خبرگان به روش تصادفی ساده انتخاب شده است. روش جمع‌آوری داده‌ها کتابخانه‌ای است، که از آن برای تعیین چارچوب موضوعی، شناخت مفاهیم، دیدگاه‌ها و نظریات استفاده شده و بر اساس این شناخت و نیز مطالعات پایه در مورد ویژگی‌های جغرافیایی منطقه و تجربه زیست، نظریه متناسب برای تحقیق برگزیده شده است. ابزار گردآوری داده‌ها، پرسشنامه از نوع بسته است. برای تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری از مدل تاپسیس استفاده شده است. در این مدل در مرحله اول ماتریس داده‌ها و امتیازدهی به شاخص‌ها که از مبانی نظری پژوهش و یافته‌های توصیفی به دست آمده، تشکیل می‌شود. در مرحله دوم به استاندارد کردن داده‌ها، در مرحله سوم به ماتریس بی‌مقیاس موزون، در مرحله چهارم به ایده آل‌های مثبت و منفی برای هر شاخص، در مرحله پنجم به دست آوردن میزان فاصله هر گزینه از ایده آل مثبت و منفی و در مرحله ششم به میزان نزدیکی نسبی هر معیار با راه حل ایده آل پرداخته شده است. متغیرهای تحقیق در ابعاد پنج‌گانه مورد بررسی در جدول ۲ مشخص شده است.

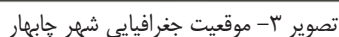
جدول ۲- متغیرهای تحقیق در ابعاد پنج‌گانه مورد بررسی

متغیرها	ابعاد
- دسترسی به خدمات - کیفیت مسکن - محدودیت توسعه فضایی فعالیت‌های بزرگ‌مقیاس (توسعه شهری و نواحی خاص اقتصادی، حمل‌ونقل و گردشگری) - دسترسی به مسیرهای حمل‌ونقل - تشدید روند تغییر کاربری اراضی و کاهش تنوع زیستی	کالبدی-زیرساخت
- آلودگی دریا و خلیج چابهار ناشی از فعالیت‌های بندری - محدودیت منابع خاک و وجود مخاطرات متعدد خشک‌سالی	محیطی
- امنیت اجتماعی - هویت و حس تعلق به مکان - تعامل و ارتباط با مردم - وجود آسیب‌های اجتماعی در مقیاس وسیع با تأکید بر عامل رشد حاشیه‌نشینی - فقدان آب بهداشتی در مناطق روستایی درآمد مکفی ساکنان - عدم توازن و تناسب بین تخصص مورد نیاز و تحول نظام آموزش - عدم بهره‌برداری مناسب از ظرفیت‌های گردشگری	اجتماعی- فرهنگی- تاریخی
- تنوع فرصت‌های شغلی - رونق سرمایه‌گذاری - قیمت زمین و مسکن	اقتصادی
- مشارکت در تصمیمات شهر - اعتماد به تصمیمات مدیریت شهر - توجه به ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی	مدیریتی

محدوده مورد مطالعه

بندر چابهار مرکز شهرستان چابهار با وسعتی بالغ بر ۱۱ کیلومترمربع در ارتفاع ۷ متر از سطح دریا قرار گرفته است و در ۶۰ درجه و ۳۷ دقیقه طول شرقی و ۲۵ درجه و ۱۷ دقیقه عرض شمالی قرار دارد. فاصله بندر چابهار تا مرکز استان ۷۳۸ کیلومتر می‌باشد. این شهرستان حدوداً دارای ۳۰۰ کیلومتر مرز آبی در دریای عمان می‌باشد. شهر چابهار مجهزترین و پیشرفته‌ترین بندر اقیانوسی کشور ایران که به اقیانوس مستقیم متصل و بهترین قطب برای تجارت بین‌المللی واقع در جنوب استان سیستان و بلوچستان است. این بندر در کرانه دریای مکران و اقیانوس هند واقع شده است. بندر اقیانوسی چابهار به دلیل موقعیت راهبردی‌اش، که نزدیک‌ترین راه دسترسی کشورهای محصور در خشکی آسیای میانه (افغانستان، ترکمنستان، ازبکستان، تاجیکستان، قرقیزستان و قزاقستان) به آب‌های آزاد است اهمیت فراوانی دارد و ساخت‌وساز و سرمایه‌گذاری فراوانی در آن صورت می‌گیرد؛ از جمله ساخت اسکله و افزایش گنجایش بارگیری کشتی‌های اقیانوس‌پیما (در خلیج چابهار) و ساخت راه‌آهن به‌سوی آسیای میانه و احداث فرودگاه بین‌المللی. این بندر یکی از مهم‌ترین چهارراه‌های کریدور شمال-جنوب بازرگانی جهانی است (سند توسعه با هدف شهرهای استان سیستان و بلوچستان، ۱۴۰۱: ۱۹).

چابهار علاوه بر موقعیت بازرگانی، دارای جاذبه‌های فراوان تاریخی، طبیعی و گردشگری است. آب‌وهوای این شهر و پیرامون آن همیشه بهاری و معتدل است و به همین دلیل چابهار (چهاربهار) نامیده می‌شود. چابهار به‌عنوان یکی از مراکز علمی و آموزشی سیستان و بلوچستان می‌باشد. موقعیت جغرافیایی شهر چابهار در کشور در شکل ۲ نشان داده شده است.



تعیین زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری با استفاده از مدل تاپسیس:

در مرحله اول وضعیت ابعاد اجتماعی، اقتصادی، زیست‌محیطی، کالبدی و مدیریتی زیست‌پذیری در شهر چابهار به تفکیک متغیرها بررسی شده است. به این گونه که میانگین امتیاز کارشناسان به هر متغیر به‌طور جداگانه محاسبه شده است. جدول شماره ۴ وضعیت بعد اجتماعی زیست‌پذیری در شهر چابهار را نشان می‌دهد.

جدول ۴- وضعیت بعد اجتماعی زیست‌پذیری در شهر چابهار

کارشناسان	متغیرهای اجتماعی							میانگین مجموع
	امنیت	گردشگری	مشارکت	بهداشت	هویت	آسیب	آموزش	
شهرستان	۴/۲۰	۳/۵۷	۳/۹۶	۳/۸۳	۳/۹۶	۴/۴۴	۴/۲۰	۳/۹۳
استان	۳/۵۵	۳/۲۴	۳/۴۷	۴/۲۵	۴/۲۷	۴/۰۸	۳/۵۵	۳/۸۷
شهر	۴/۱	۲/۸۷	۳/۱۱	۳/۲۸	۳/۸۸	۳/۹۵	۴/۱	۳/۵۸
اساتید دانشگاه	۳/۸۸	۳/۶۴	۳/۸۸	۳/۰۸	۳/۱۱	۳/۷۸	۳/۸۸	۳/۵۲
دانشجویان	۳/۷۵	۳/۲۷	۳/۳۴	۳/۱۱	۳/۲	۳/۱۴	۳/۷۵	۳/۳۱
مجموع میانگین	۳/۶۵	۳/۹۰	۳/۳۲	۳/۵۵	۳/۵۱	۳/۶۸	۳/۸۸	۳/۶۴

تحلیل وضعیت بعد اجتماعی زیست‌پذیری در شهر چابهار نشان می‌دهد که متغیر گردشگری با (۳/۹۰) بالاترین سطح را داشته و متغیر مشارکت با (۳/۳۲) در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. جدول شماره ۵ وضعیت بعد اقتصادی زیست‌پذیری در شهر چابهار را نشان می‌دهد.

جدول ۵- وضعیت بعد اقتصادی زیست‌پذیری در شهر چابهار

کارشناسان	متغیرهای اقتصادی			میانگین مجموع
	اشتغال	سرمایه‌گذاری	قیمت زمین	
شهرستان	۳/۷۳	۳/۲۴	۳/۱۸	۳/۳۸
استان	۳/۴۷	۳/۱۱	۲۷/۳	۳/۲۸
شهر	۳/۲۲	۳/۰۴	۳/۵۷	۳/۲۷
اساتید دانشگاه	۳/۶۴	۲/۸	۳/۲۸	۳/۲۴
دانشجویان	۳/۲۷	۲/۷۹	۵۴/۲	۲/۸۶
مجموع میانگین	۳/۴۷	۳/۰۰	۱۷/۳	۳/۲۰

تحلیل وضعیت بعد اقتصادی زیست‌پذیری در شهر چابهار نشان می‌دهد که متغیر اشتغال با (۳/۲۷) بالاترین سطح را داشته و متغیر سرمایه‌گذاری با (۳/۰۰) در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. جدول شماره ۶ وضعیت بعد زیست‌محیطی زیست‌پذیری در شهر چابهار را نشان می‌دهد.

جدول ۶- وضعیت بعد زیست‌پذیری در شهر چابهار

کارشناسان	متغیرهای زیست‌پذیری		میانگین مجموع
	آلودگی	خشکسالی	
شهرستان	۱۱/۲	۲۱/۴	۳/۱۶
استان	۲۴/۲	۴/۱۹	۳/۲۱
شهر	۳۱/۲	۳/۸۸	۳/۰۹
اساتید دانشگاه	۱/۹۴	۳/۶۷	۲/۸۰
دانشجویان	۲/۲۲	۳/۵	۲/۸۶
مجموع میانگین	۲/۱۶	۳/۸۹	۳/۰۲

تحلیل وضعیت بعد زیست‌پذیری در شهر چابهار نشان می‌دهد که متغیر خشکسالی با (۳/۸۹) بالاترین سطح را داشته و متغیر آلودگی با (۲/۱۶) در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. جدول شماره ۷ وضعیت بعد کالبدی زیست‌پذیری در شهر چابهار را نشان می‌دهد.

جدول ۷- وضعیت بعد کالبدی زیست‌پذیری در شهر چابهار

کارشناسان	متغیرهای کالبدی				میانگین مجموع
	حمل و نقل	توسعه فضایی	مسکن	دسترسی به خدمات	
شهرستان	۴۲/۴	۱۲/۴	۷۹/۳	۲۱/۳	۳/۸۹
استان	۳/۷۵	۱۷/۴	۳/۶۷	۳/۱۴	۳/۶۸
شهر	۴/۳۷	۳/۴۷	۳/۸۳	۳/۴۷	۳/۷۹
اساتید دانشگاه	۳/۸۸	۳/۸۸	۴/۰۴	۳/۱	۳/۷۳
دانشجویان	۴/۱۵	۳/۷۶	۳/۶۷	۲/۸۷	۳/۶۱
مجموع میانگین	۴/۴۲	۴/۱۲	۳/۷۹	۳/۲۱	۳/۸۹

تحلیل وضعیت بعد کالبدی زیست‌پذیری در شهر چابهار نشان می‌دهد که متغیر حمل و نقل با (۴/۱۵) بالاترین سطح را داشته و متغیر دسترسی به خدمات با (۲/۸۷) در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است. جدول شماره ۸ وضعیت بعد مدیریتی زیست‌پذیری در شهر چابهار را نشان می‌دهد.

جدول ۸- وضعیت بعد مدیریتی زیست‌پذیری در شهر چابهار

کارشناسان	متغیرهای مدیریتی			میانگین مجموع
	ساختار مشارکتی	سکونتگاه غیر رسمی	تصمیم‌مدیران	
شهرستان	۲/۳۰	۳/۲۷	۲/۲۲	۲/۵۹
استان	۲/۱۵	۳/۱۸	۱/۶	۲/۳۱
شهر	۱/۷۸	۳	۲/۱۹	۲/۳۲
اساتید دانشگاه	۲/۴۴	۲/۷۷	۱/۸۸	۲/۳۶
دانشجویان	۲/۲۶	۲/۸۷	۱/۴۸	۲/۲۰
مجموع میانگین	۲/۱۹	۳/۰۲	۱/۸۷	۳۵/۲

تحلیل وضعیت بعد مدیریتی زیست‌پذیری در شهر چابهار نشان می‌دهد که متغیر سکونتگاه غیر رسمی با (۳/۰۲) بالاترین سطح را داشته و متغیر دسترسی به خدمات با (۲/۸۷) در پایین‌ترین سطح قرار گرفته است.

در مرحله دوم ابعاد و شاخص‌های زیست‌پذیری شهر چابهار و عوامل و مؤلفه‌های مؤثر بر آن، با استفاده از مدل تاپسیس تحلیل شده است. بر این مبنا نخست معیارها و گویه‌ها زیست‌پذیری محاسبه شده؛ بدین معنی که پرسشنامه از کارشناسان شهر چابهار و اساتید رشته برنامه‌ریزی شهری پر شده و میانگین پاسخ‌ها در گویه‌ها محاسبه شده و سپس جمع‌بندی شده است و به‌منظور ارزیابی ابعاد زیست‌پذیر متغیرهای استخراج شده در مدل تاپسیس قرار داده شده است تا میزان زیست‌پذیر هر متغیر سنجش شود. جدول شماره ۹ ماتریس شاخص‌ها زیست‌پذیری شهر چابهار را نشان می‌دهد.

پس از انجام مراحل مورد نیاز با توجه به نوع شاخص (از نظر مثبت یا منفی بودن) فاصله هر معیار یا راه حل با راه حل ایده آل و راه غیر ایده آل محاسبه می‌شود و محلات مورد بررسی را به‌صورت نزولی مرتب می‌کند. هر چقدر مقدار CL_i بزرگ‌تر باشد بهترین راه حل ایده آل محسوب می‌شود. جدول شماره ۱۰ فاصله مکانی زیست‌پذیری محلات با راه‌حل‌های ایده آل و غیر ایده آل را نشان می‌دهد.

بر اساس داده‌های بررسی شده در مورد متغیرهای تأثیر گذار بر زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر توسعه شهری متغیر اقتصادی با ۰/۹۶۷ امتیاز رتبه یک و متغیر کالبدی با امتیاز ۰/۹۱۴ رتبه دوم را به خود اختصاص دادند و متغیرهایی هستند که بیشترین تأثیر را بر سطح زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر توسعه شهری گذاشتند. متغیر مدیریتی، محیطی، فرهنگی و ... به ترتیب ۰/۴۳۳، ۰/۴۲۶، و ۰/۴۱۸ امتیاز کمتری به خود اختصاص دادند.

جدول ۹- ماتریس شاخص‌ها زیست‌پذیری شهر چابهار

سیاسی	تاریخی	اجتماعی	کالبدی	اقتصادی	خدمات زیرساخت‌ها	مدیریتی	فرهنگی	محیطی	TOPSIS
۳/۷۷	۳/۲۳	۳/۵۴	۳/۳۷	۴/۵۸	۴/۴۲	۳/۳۷	۳/۵۲	۳/۴	امنیت اجتماعی
۳/۱۹	۳/۱۴	۳/۱۹	۳/۱۱	۳/۸۷	۳/۶۱	۳/۴۱	۳/۴۱	۳/۳۸	هویت و حس تعلق به مکان
۳/۱۱	۳/۲۵	۳/۲۴	۳/۲۷	۳/۹۴	۳/۶۷	۳/۲۴	۳/۱۴	۳/۱۱	تعامل و ارتباط با مردم
۳/۱۱	۳/۲۵	۳/۲۴	۳/۲۷	۳/۹۴	۳/۶۷	۳/۲۴	۳/۱۴	۳/۲۲	وجود آسیب‌های اجتماعی
۳/۰۱	۳/۱۵	۳/۲۴	۳/۲۷	۳/۹۴	۳/۶۷	۳/۲۴	۳/۲۴	۳/۱۷	فقدان آب بهداشتی
۳/۱۱	۳/۲۵	۳/۲۳	۳/۱۱	۳/۹۱	۳/۷۱	۳/۲۴	۳/۱۴	۳/۱۱	عدم توازن و تناسب در آموزش
۲/۷۹	۲/۸۴	۲/۵۷	۲/۸۷	۳/۷۱	۳/۵۸	۳/۳۷	۳/۳۷	۳/۲۲	ظرفیت‌های گردشگری
۳/۰۸	۲/۵۹	۳/۲۷	۳/۲۸	۳/۸۴	۳/۶۳	۲/۶۷	۲/۰۴	۲/۲۷	تنوع فرصت‌های شغلی
۲/۴۹	۳/۳۷	۲/۸۷	۲/۹۷	۳/۶۷	۳/۷۸	۲/۵۹	۲/۵۹	۳/۰۴	رونق سرمایه‌گذاری
۲/۶۴	۲/۸۴	۲/۴۷	۲/۵۵	۳/۷۴	۳/۶۶	۲/۸۸	۲/۸۸	۲/۷۱	قیمت زمین و مسکن
۲/۲۲	۲/۲۱	۲/۳۴	۲/۱۷	۳/۴	۳/۵	۲/۵۴	۲/۴۴	۲/۴۲	آلودگی دریا
۳/۵	۲/۶۶	۲/۶۶	۲/۸۲	۳/۶۶	۳/۶۴	۳/۲۷	۳/۲۲	۳/۲۱	محدودیت منابع خاک
۳/۲۸	۳/۱۳	۳/۳۳	۳/۳۴	۴/۱۲	۴/۱۷	۳/۵	۳/۵	۳/۵۳	دسترسی به خدمات
۳/۲۷	۳/۴	۳/۱۵	۲/۳	۳/۷۱	۳/۶۱	۳/۴۴	۳/۴	۳/۲۶	کیفیت مسکن
۳/۴	۳/۱۵	۳/۳۴	۳/۲۲	۳/۷۴	۳/۶۴	۳/۲۸	۳/۲۸	۳/۴۳	محدودیت توسعه فضایی فعالیت‌ها
۲/۹۱	۱/۹۹	۲/۶۲	۲/۹۷	۳/۶۲	۳/۵۱	۳/۲۸	۳/۱۸	۳/۱۳	دسترسی به مسیرهای حمل‌ونقل
۲/۲۶	۲/۱۵	۲/۵۲	۲/۵۶	۳/۸۲	۳/۶۵	۲/۶۷	۲/۶۷	۲/۶۹	تشدید روند تغییر کاربری اراضی
۲/۲۷	۲/۰۹	۲/۱۵	۲/۱	۳/۲۲	۳/۳۷	۲/۴۸	۲/۵۱	۲/۴۲	مشارکت در تصمیمات شهر
۲/۸۷	۲/۷۴	۲/۶۷	۲/۳۴	۳/۵۴	۳/۹۴	۲/۹۲	۲/۷۴	۲/۷۵	اعتماد به تصمیمات مدیریت شهر
۲/۴۸	۲/۴۴	۲/۷۵	۲/۶۹	۳/۰۱	۳/۱۲	۲/۹۱	۲/۹۱	۲/۲۷	ساماندهی سکونتگاه‌های غیر رسمی

جدول ۱۰- فاصله مکانی زیست‌پذیری شهر چابهار با راه‌حل‌های ایده آل و غیر ایده آل

ابعاد	رتبه	CLi	Di-	Di+
محیطی	۶	۰/۴۲۶	۰/۰۱۴	۰/۰۲۳
فرهنگی	۷	۰/۰۴۱۸	۰/۰۱۳	۰/۰۲۰
مدیریتی	۵	۰/۴۳۳	۰/۰۱۴	۰/۰۱۸
خدمات و زیرساخت‌ها	۴	۰/۴۴۵	۰/۰۱۵	۰/۰۰۱
اقتصادی	۱	۰/۹۶۷	۰/۰۳۰	۰/۰۰۳
کالبدی	۲	۰/۹۱۴	۰/۰۲۸	۰/۰۲۲
اجتماعی	۳	۰/۴۸۷	۰/۰۲۲	۰/۰۲۰
سیاسی	۹	۰/۴۱۷	۰/۰۱۴	۰/۰۱۹
تاریخی	۸	۰/۴۱۷	۰/۰۱۳	۰/۰۲۸

به‌طور کلی به دلیل شرایط اقتصادی و فرصت‌های شغلی بهتر ساکنان شهرستان چابهار از قسمت شمالی به قسمت جنوبی چون شهر چابهار شامل دهستان‌های کامل سلیمان و وشنام دری مهاجرت کردند. همچنین در شهر چابهار در قسمت شرقی به دلیل کمبود زیرساخت‌های مناسب اسکان غیر رسمی بسیار زیاد است. در قسمت غربی به دلیل سرمایه‌گذاری بیشتر و فرصت‌های شغلی مناسب و دسترسی به راه‌های

آبی برای تجارت وضعیت زیست‌پذیری مناسب‌تر از قسمت شرقی شهر است. بسیاری از فعالان اجتماعی و کارشناسان جذابیت‌های اقتصادی وجود سازمان منطقه آزاد، اداره کل بنادر و دریانوردی و صنایع بزرگی نظیر فولاد و پتروشیمی ایجاد شده را عامل حاشیه‌نشینی می‌دانند. شهر چابهار به دلیل توسعه نامتوازن در گذشته با مشکلات بی‌آبی، برق، کمبود امکانات بهداشتی و آموزشی روبه‌رو است. از این رو به دلیل الحاق شهر چابهار به سازمان منطقه آزاد، این سازمان باید توجه و اقدامات ویژه برای توسعه زیرساخت‌های شهری شهر چابهار انجام و عملاً ورود کنند. برنامه‌ریزی سنتی توسعه از بالا و بدون مشارکت مردم محلی و بی‌ارتباط با ساختار اجتماعی، اقتصادی جامعه محلی موجب جذب سرمایه تجاری و خدماتی در شهر چابهار شده است. ورود سرمایه به محیطی سنتی در شرایط موجود برنامه‌ریزی سبب شده است تا ۱۷۵٪ مردم بومی چابهار سطح درآمد پایین داشته باشند در نتیجه قشر عظیمی محروم را در برابر اقلیتی برخوردار قرار گرفته است. این ساختار اجتماعی، اقتصادی ساختار دوگانه‌ای را به شهر چابهار تحمیل کرده و به تضادهای اجتماعی و طبقاتی دامن زده است. تضادها و محرومیت‌ها به بروز ناهنجاری‌های اجتماعی به عنوان عوارض طبیعی در شهر چابهار منجر شده است و حل مشکل در پرداختن اساسی به بنیان معضل و در نهایت برنامه‌ریزی با مشارکت جامعه محلی شهر چابهار نهفته است که در آن رویکرد اساسی توجه به ویژگی‌ها و نیازهای جامعه محلی است.

بحث و نتیجه‌گیری

شهرنشینی شتابان در کشور ایران موجب بروز مشکلاتی چون ناهنجاری‌های اجتماعی، حاشیه‌نشینی، مسکن ناکارآمد و غیره شده است. تأثیر مشکلات مذکور در محلات شهری متفاوت است و موجب ایجاد تفاوت‌های اجتماعی، اقتصادی و به تبع آن دوگانگی فضایی می‌شود. از سوی دیگر دوگانگی فضایی بر سطح زیست‌پذیری محلات شهری اثر مستقیم دارد. عوامل متعددی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی، محیطی و مدیریتی بر شرایط کیفیت زندگی و زیست‌پذیری شهرها بسیار اثرگذار هستند به طوری که با ناپایداری یکی از عوامل، کل مجموعه و سیستم را با مشکل روبرو کرده و بر سطح زیست‌پذیری اثر منفی می‌گذارد.

مقایسه پژوهش حاضر با سایر مطالعات نشان می‌دهد که نزدیک به مقاله تاراج شیخ و همکاران با عنوان ارتقای زیست‌پذیری از طریق برنامه‌ریزی شهری: چارچوبی جامع بر اساس «نظریه نیازهای انسانی» است. وی ابعاد و معیارهای تأثیرگذار بر زیست‌پذیری را تحلیل و رتبه‌بندی کرده است. نتایج تحقیق نشان داد که رتبه‌بندی‌ها بر ماهیت چندوجهی زیست‌پذیری تأکید می‌کنند و دولت‌های شهر را تشویق می‌کند تا زیست‌پذیری را ارتقا دهند. از سوی دیگر این پژوهش بر شناسایی و تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با رویکرد توسعه شهری تأکید دارد که سبب ایجاد فضایی دوگانه در دهستان‌های آن گردیده‌اند و از این نظر که بر دوگانگی فضایی تأکید می‌ورزد به لحاظ ماهیت از تحقیقاتی که در پیشینه شرح داده شد، متفاوت است. به لحاظ روش تحقیق نیز وجه تمایز آن، با سایر پژوهش‌ها اولویت‌بندی معیارهای تأثیرگذار بر زیست‌پذیری زیست‌پذیری شهر چابهار با رویکرد توسعه شهری با استفاده از مدل تاپسیس است.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری به گونه‌ای است که با کاهش دوگانگی فضایی در قسمت شمالی و جنوبی شهرستان و قسمت شرقی و غربی شهر چابهار، سطح زیست‌پذیری افزایش می‌یابد. همچنین بر اساس تحلیل داده می‌توان گفت متغیر اقتصادی (شامل تنوع فرصت‌های شغلی، رونق سرمایه‌گذاری، قیمت زمین و مسکن) و متغیر کالبدی (شامل دسترسی به خدمات، کیفیت مسکن، محدودیت توسعه فضایی فعالیت‌های بزرگ‌مقیاس، دسترسی به مسیرهای حمل‌ونقل، تشدید روند تغییر کاربری اراضی و کاهش تنوع زیستی) بیشترین تأثیر را بر سطح زیست‌پذیری و توسعه شهر چابهار داشته‌اند.

اگر متغیرهای پنج‌گانه اقتصادی، کالبدی، اجتماعی، محیطی و مدیریتی در تعامل با یکدیگر عمل کنند شهر به صورت نامتوازن توسعه پیدا نمی‌کند و سطح زیست‌پذیری افزایش می‌یابد. اصول زیست‌پذیری با تأکید بر رویکرد توسعه شهری دربرگیرنده راه‌حلی است که به سازمان‌دهی و ارتقاء کالبدی فضایی شهر منجر می‌شود. به طوری که از این طریق موجبات فراهم نمودن اقتصادی بادوام (اقتصاد شهری هماهنگ با تغییرات فنی و صنعتی جهت حفظ مشاغل پایه‌ای و تأمین مسکن مناسب در حد استطاعت ساکنین، با بار مالیاتی سرانه عادلانه)، اجتماعی به هم پیوسته (همبستگی اجتماعی و احساس تعلق شهروندان به میراث‌های شهر و ...) و محیط‌زیست قابل سکونت و زندگی (هوای پاک، آب آشامیدنی سالم و اراضی و آب‌های سطحی و زیرزمینی بدون آلودگی) را فراهم نموده و موجبات تحول در سازمان فضایی شهر می‌گردد.

با توجه به تحلیل یافته‌ها و نتایج حاصل از انجام این پژوهش و با عنایت بر اینکه پژوهش حاضر به دنبال تحلیل زیست‌پذیری شهر چابهار با تأکید بر رویکرد توسعه شهری بود، از این رو پیشنهادها و توصیه‌هایی در جهت کاهش دوگانگی فضایی و افزایش زیست‌پذیری شهر چابهار ارائه می‌گردد:

- تمرکززدایی و فراهم ساختن زمینه‌های باز توزیع متعادل عناصر و عوامل زمینه‌ساز در زیست‌پذیری در قسمت شمالی و قسمت شرقی شهر چابهار
- لزوم نگرش مدیریت یکپارچه در شهر چابهار در راستای افزایش زیست‌پذیری دهستان‌ها
- توجه به سازوکارهای اقتصادی با تأکید بر نابرابری‌هایی فضایی در سطح شهر
- لزوم توجه به سازوکارهای اجتماعی با تأکید بر عدالت اجتماعی و رفع نابرابری‌های شهر چابهار
- لزوم توجه به روابط متعامل فرآیندهای اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی در سطوح شهری

منابع

- اشنویی نوش ابادی، امیر و محمد ابراهیمی، مهشید. (۱۳۹۹). تعیین پیشران‌های کلیدی موثر بر زیست‌پذیری شهری با رویکرد آینده‌پژوهی (مطالعه موردی: شهر کاشان)، فصلنامه جغرافیا و برنامه ریزی، ۲۵ (۷۶)، ۲۷-۴۱.
- برزگز، صادق، حیدری، تقی و انبارلو، علیرضا. (۱۳۹۸). تحلیل سکونتگاه‌های غیر رسمی با رویکرد زیست‌پذیری (مورد مطالعه: محلات غیررسمی شهر زنجان)، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۹ (۳۳)، ۱۵۲-۱۳۷.
- جعفری اسدآبادی، حمزه. (۱۳۹۲). بررسی زیست‌پذیری شهرها در راستای توسعه پایدار شهری (مورد مطالعه کلان‌شهر تهران). پایان‌نامه کارشناسی ارشد به راهنمایی دکتر فرزانه ساسان پور، دانشکده جغرافیا، دانشگاه خوارزمی، تهران، ۵۰-۸.
- خراسانی، محمدمبین. (۱۳۹۵). تأملی در مفهوم زیست‌پذیری؛ شناخت، سنجش و رویکردها، دومانه پژوهش در هنر و علوم انسانی، ۱ (۲)، ۹-۱۵.
- خزاعی‌نژاد، فروغ. (۱۳۹۴). تحلیل زیست‌پذیری در بخش مرکزی شهر تهران مورد پژوهش: محله‌های منطقه ۱، رساله دکتری، استاد راهنما: دکتر سیمین تولایی، دکتر محمد سلیمانی، دانشگاه خوارزمی، دانشکده جغرافیا، ۹۱-۱۳۲.
- سند توسعه و آمایش شهرستان‌های استان سیستان و بلوچستان. (۱۴۰۰). شهرستان چابهار. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان سیستان و بلوچستان، ۱ (۱)، ۱-۲۶۵.
- سلیمانی، مهرنجان، محمد، تولایی، سیمین، رفیعیان، مجتبی، زنگانه، احمد و خزایی نژاد، فروغ. (۱۳۹۵). زیست‌پذیری شهری: مفهوم، اصول، ابعاد و شاخص‌ها. نشریه تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، ۴ (۱)، ۲۷-۵۰.
- گودرزی، هومان، یوسفی بابادی، سعید و لطیفی، امید. (۱۳۹۸). تحلیل زیست‌پذیری محلات شهری در راستای توسعه پایدار (مطالعه موردی: منطقه ۲۲). فصلنامه جغرافیا و روابط انسانی، ۳ (۷)، ۱۸-۲۴.
- موسوی، میرنجف، زارع، علیرضا؛ منوچهری میاندوآب، ایوب و آهار، حسن. (۱۳۹۶). تحلیل اثرات رشد پراکنده رویی شهری بر زیست‌پذیری محلات شهری مورد: شهر مراغه، نشریه پژوهش و برنامه ریزی شهری، ۸ (۳۱)، ۱۸-۱.
- Ahmed, N., El-Halafawy, A., & Ahmed Mohamed, M. (2019). A Critical Review of Urban Livability, *European Journal of Sustainable Development*, 8 (1), 165-182,
- Cobb, C. (2000). measuring Quality of life.the new politice of work family: and commity. *International Journal Of Yount Economy, International Journal of Youth Eco.* 3 (2), 75-87.
- Southworth, M. (2016). Learning to make liveable cities. *Journal of Urban Design*, 21(5), 570-573.
- Sheikh, W. T., & van Ameijde, J. (2022). Promoting livability through urban planning: A comprehensive framework based on the "theory of human needs". *Cities*, 131, 103972.
- Wong, A. T. (2019, April). Sustainable development (urban transport and mobility)-"sharpening the saw" in shaping liveable cities towards quality of life experiences. In *IOP Conference Series: Materials Science and Engineering* (Vol. 512, No. 1, p. 012044). IOP Publishing.
- Zanella, A., Camanho, A. S., & Dias, T. G. (2015). The assessment of cities' livability integrating human wellbeing and environmental impact. *Annals of Operations Research*, 226(1), 695-726.

Analysis of Chabahar City's livability with a focus on urban development

Ahmad Rashki, PhD student in Geography, Yadegar Imam Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Alireza Estelaji*, Department of Geography, Faculty of Geography, Yadegar Imam Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Mohsen Ranjbar, Department of Geography, Faculty of Geography, Yadegar Imam Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2024/7/3

Accepted: 2024/9/19

Extended abstract

Introduction: The rising urban population with a focus on urban development presents numerous challenges for cities, subsequently diminishing their livability. Livability, in the context of urban development, is significantly influenced by economic, social, physical, and environmental factors. Disruption and instability in any of these aspects can disrupt the entire urban ecosystem, adversely affecting livability levels. In the physical context, the spatial structure and form of a city, especially the distribution and interrelation of various elements within its space, directly impact livability and overall quality of life. The spatial layout and physical structure of cities, shaped by social and economic conditions, often result in spatial dichotomy at the rural district level. This research aims to analyze the factors that impact the livability of Chabahar city, with a particular emphasis on urban development.

Methodology: This research is practical in its objectives and adopts a descriptive-analytical approach. The statistical population includes 80 professionals from Chabahar's city council and urban planning scholars. A probabilistic and stratified sampling method was adopted. Data collection for this research was primarily conducted through library-based research. A structured questionnaire served as the main instrument for data gathering. The TOPSIS model was employed to analyze spatial dichotomy with a focus on urban livability.

Results: In the initial stage, the analysis of the social livability aspect of Chabahar showed that tourism ranked highest among the variables with a score of 3.90. In the economic domain, employment emerged as the leading variable with a score of 3.27. In the environmental dimension, the drought variable scored the highest with a score of 3.89. In the physical dimension, transportation scored the highest with a score of 4.15. In the management dimension, the informal settlements variable scored the highest with a score of 3.02. In the second stage, this study analyzed the dimensions, indicators, and factors affecting the livability of Chabahar city using the TOPSIS model. The results showed that the economic factor with a score of 0.967 has the highest impact, followed by the physical factor with a score of 0.914.

Conclusion: The research findings show that by addressing the spatial duality in its northern and southern regions, as well as between its eastern and western parts, with an emphasis on urban development strategies, the livability of Chabahar city can be significantly improved. The analysis shows that economic and physical variables are the most influential factors determining the level of livability and overall urban development in Chabahar city. Effective interaction between five key variables - economic, physical, social, environmental and management - ensures balanced development and increases livability.

Keywords: Livability, five factors, Chabahar city, urban development.